

پژوهش درباره‌ی زبان ارمنی

ماریا آیوازیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این مقاله بحثی است درباره‌ی زبان ارمنی و اینکه به چه گروهی از زبان‌ها تعلق دارد، و چه نظریه‌هایی در مورد آن ارائه شده است. در ادامه، دوره‌های اصلی و فرعی زبان ارمنی در سده‌های گوناگون، با ذکر ویژگی‌های هر دوره و تحول آنها، معرفی شده است. شرحی نیز پیرامون رسم‌الخط زبان ارمنی، تعداد حروف الفبای این زبان و تغییراتی که بعدها در آن پیدا شد، و ابداع الفبای ارمنی و تأثیر آن در زبان نوشتاری و ترجمه آمده است.

توصیف تاریخ زبان یک ملت یعنی بیان تمامی تغییرها و تحول‌هایی که یک زبان طی دوره‌ی حیات خود، از ابتدا تا زمان حال، پذیرا شده است.

تحول زبانی عوامل گوناگونی دارد که در خصوص زبان ارمنی، آنها را از این قرار می‌توان برشمرد: اول، تحول‌های داخلی که از راه طبیعی صورت می‌گیرد و نتیجه‌ی تکامل و ترقی زبان است؛ دوم، تحول‌های خارجی که بخش عمده‌ی آن با وام‌گیری انجام می‌شود و نتیجه‌ی عوامل خارجی‌زا است؛ و سوم تحول‌های کوچکی است که به دست افراد صورت می‌گیرد و حاصل نوآوری‌های ادبی است. این تحولات سه‌گانه‌ی زبان ارمنی به تاریخ سیاست‌های ملی، تاریخ ادبیات و تاریخ سیاسی ملت ارمنی مربوط می‌شود.

فرهنگ، ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۸۰، صص ۱۸۳-۱۹۳

از نظر زبان‌شناسی، زبان ارمنی جزو خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی است. درگذشته جایگاه زبان ارمنی نامعین بود و به گفته‌ی روبرت آفوکس^۱ بزرگ‌ترین اشتباه دانشمندان این بود که برای تعیین جایگاه زبان ارمنی در خانواده‌ی زبان‌ها، فقط به مجموعه واژگان این زبان استناد می‌کردند، راهی که آسان ولی گمراه‌کننده بود. نظریه‌ی رایج آن زمان این بود که زبان ارمنی یکی از زبان‌های ایرانی است، زیرا واژه‌های فراوان ایرانی دارد.

نظریه‌ی ایرانی بودن زبان ارمنی در سه ربع اول سده‌ی نوزدهم در اروپا حاکم بود و دانشمندان زیادی این نظریه‌ی را در تألیفات خود آورده‌اند، از جمله راسموس راسک^۲ (۱۸۱۸)، آوگوست شلایخر^۳ (۱۸۵۰)، که البته بعدها از این نظریه انصراف داد، فرانس پوپ^۴ (۱۸۵۷) فردریک مولر^۵ (۱۸۶۱-۱۸۶۵)، حتی کروهه پاتکانیان^۶، زبان‌شناس ارمنی، در تألیف خود (۱۸۶۴) بر همین عقیده بود و همگی این نظریه‌ی را تأیید می‌کردند.

هاینریش هوبشمان^۷، دانشمند و زبان‌شناس شهیر، در مقاله‌ی بی‌نام «موقعیت زبان ارمنی در میان زبان‌های هند و اروپایی» که در ۱۸۷۷ منتشر کرد، این نظریه را تغییر داد. او با کسب تبحر در رشته‌های مختلف زبان‌شناسی شرقی در دانشگاه‌های گوناگون، امکان آن را یافته بود که به نظریه‌ی ایرانی بودن زبان ارمنی با دیده‌ی تردید و انتقاد نظر افکند. با جمع‌بندی نظریه‌های بسیاری از زبان‌شناسان متقدم و برشمردن خطاهای آنان، هوبشمان این سؤال را مطرح کرد که آیا زبان ارمنی را می‌توان یک زبان ایرانی نامید؟ آنان که بر شباهت‌های واژگان دو زبان انگشت می‌نهادند، نیندیشیده بودند که امکان دارد این همانندی در نتیجه‌ی وام‌گیری واژه‌ها صورت گرفته باشد و عملاً هیچ‌گونه روشی را برای بررسی این امکان پیشنهاد نکرده بودند. هوبشمان با قراردادن ویژگی‌های بنیادی نظام‌های آوایی زبان‌های ایرانی و ارمنی در جدول‌ها، توانست روشن کند که واژه موردنظر، ارمنی اصیل یا وام‌واژه‌ی ایرانی است.

1. Robert A Fachs

2. Rasmus Rask

3. August Shleicher

4. Franz Boop

5. Fredrich Muller

6. Kerope Patkianian

7. Hainrich Hubuchmann (1848-1908)

نتیجه‌گیری نهایی هوبشمان از این قرار بود که زبان ارمنی یک گویش ایرانی نیست، بلکه شاخه‌ی مستقل از گروه زبان‌های هند و اروپایی است. به عبارت دیگر، زبان ارمنی نیز مانند زبان‌های ایرانی، شاخه‌ی متمایز از یک زبان مادر است و امروزه این نظریه را همه‌ی دانشمندانی که در رشته‌ی زبان‌شناسی تطبیقی پژوهش می‌کنند پذیرفته‌اند.



زبان ارمنی در ادوار مختلف تحت تأثیر زبان‌های گوناگون، از جمله زبان هیتی، زبان‌های رایج در آسیای صغیر، کلدانی، میتانی، آشوری، ایرانی، زبان‌های دیگر ساکنان حوزه‌ی ارمنستان و ملل قفقاز و غیره قرار گرفته است. زبان ارمنی را می‌توان به دو دوره‌ی کلی تقسیم کرد:

الف. دوره‌ی گفتاری (دوره‌ی قبل از ابداع الفبای ارمنی)، یعنی از قدیم‌ترین ایام تا ۴۰۴م.

ب. دوره‌ی نوشتاری (دوره‌ی بعد از ابداع الفبای ارمنی)، یعنی از ۴۰۴م تا امروز. از دوره‌ی گفتاری اطلاعات زیادی در دست نیست. دوره‌ی نوشتاری به سه دوره‌ی اصلی و چندین دوره‌ی فرعی تقسیم می‌شود. سه دوره‌ی اصلی عبارت‌اند از دوره‌ی باستان یا گرابار^۱، دوره‌ی میانه یا کیلیکیه و دوره‌ی جدید معاصر یا آشخارهابار^۲، در تمام این دوره‌ها، زبان ادبی، به عنوان بزرگ‌ترین گونه‌ی زبان ارمنی، در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد. در این‌جا باید متذکر شد که زبان ادبی جدید یا معاصر، خود به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. زبان ادبی شرقی؛ ۲. زبان ادبی غربی، که بعداً توضیح بیش‌تری در این مورد داده خواهد شد.

دوره‌های زبان ارمنی

۱. دوره‌ی باستان یا گرابار: (سده‌های پنجم تا یازدهم میلادی)

این دوره به سه دوره‌ی فرعی تقسیم می‌شود:

۱.۱. دوره‌ی ارمنی متأخر از گرابار کلاسیک (نیمه‌ی اول سده‌ی پنجم)

در این دوره، گونه‌های گفتاری و نوشتاری یکی است و گرایشی به سبک آشوری (سریانی) در زبان پدید آمده است که دلیل آن تماس نزدیک میان روحانیان آشوری و ارمنی، ترجمه‌ی بعضی از متون آشوری به ارمنی، نزدیکی روابط فرهنگی و مذهبی، و

اعزام روحانیان برای تحصیلات عالی به آن سرزمین بوده است. از آثار این دوره می‌توان تاریخ ارمنستان، اثر موسی خورنی^۱ و تاریخ ارمنستان، اثر قازارپارتسی^۲ را نام برد.

۲.۱. دوره‌ی بعد از ارمنی باستان (سده‌های ششم تا هفتم میلادی)

در این دوره، گونه‌ی ادبی از گونه‌ی گفتاری فاصله‌ی بیش‌تری می‌گیرد، ولی از تأثیر آن برکنار نیست. علت به‌وجود آمدن این فاصله، از یک طرف، گرایش به سبک و مکتب ادبی یونانی است و از طرف دیگر، تضعیف تأثیر زبان نوشتاری بر زبان گفتاری است. از آثار این دوره می‌توان از تاریخ، اثر سبتوس^۳ نام برد.

۳.۱. دوره‌ی پیش از ارمنی میانه (سده‌های هشتم تا یازدهم میلادی)

در این دوره، فاصله‌ی مابین زبان ادبی و زبان گفتاری زیادتر شده است و سعی نویسندگان براین است که از زبان گفتاری دوری جویند و اصالت زبان ادبی گرابار را حفظ کنند که این خود نشانه‌ی آگاهی آنان است. در این دوره، به علت استقرار و استیلای اعراب به مدت دو سده (از سده‌ی هفتم تا نهم) در ارمنستان، واژه‌های عربی وارد زبان ارمنی شده است، ولی در آثار نویسندگان گرایش به کاربرد واژه‌های یونانی و سبک یونانی هنوز دیده می‌شود. در این دوره، تفاوت بین گونه‌های زبان ارمنی عمیق‌تر شده است.

از آثار این دوره می‌توان از تألیفات گریگور ماگیستروس^۴ نام برد.

۲. دوره‌ی میانه (سده‌های دوازدهم تا شانزدهم میلادی)

در این دوره، زبان گفتاری همپایه‌ی زبان ادبی می‌شود. اساس زبان ادبی دوره‌ی میانه، گویش ارمنی منطقه‌ی کیلیکیه است؛ لیکن گویش‌های دیگر نیز در آن بی‌تأثیر نبوده است. البته در این دوره، گرابار نیز اهمیت خود را حفظ کرده است، بدین‌نحو که زبان دوره‌ی میانه به عنوان زبان مکاتبات رسمی و احکام دولتی و نوشته‌های علمی و هنری و تاریخی، و زبان گرابار به عنوان زبان کتابت و مراسم دینی و بعضی از تحقیقات علمی در زمینه‌ی فلسفه و منطق به کار می‌رود. از نمونه‌های سبک این دوره می‌توان به آثار

1. Movses Khorenatsi

2. Ghazar Parbetsi

3. Sebeos

4. Grigor Magistros

ماتئوس اورهایتسی^۱ اشاره کرد.

زبان گرابار این دوره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف. سبک نوشتاری گرابار قدیم که گونه‌یی است پیچیده و دارای واژه‌های یونانی فراوان.

ب. سبک نوشتاری جدید که گونه‌یی نسبتاً ساده‌تر و دارای واژه‌های جدیدتر است.

زبان دوره‌ی میانه دارای ویژگی‌های زیر است:

الف. زبان مستقلی است که در آن گویش کیلیکیه بر دیگر گویش‌ها برتری دارد و واژه‌های عربی، ترکی و اروپایی بسیاری در آن دیده می‌شود.

ب. زبانی آمیخته از زبان‌های دوره‌ی میانه و باستان است که بیش‌تر به زبان باستان متمایل است.

ج. زبانی است که به سبب مهاجرت آرامنه به کشورهای همسایه و اروپایی و گسسته شدن رابطه‌ی آنان با زادگاه خود، گویش‌های جدیدی در آن به وجود آمده است.

دوره‌ی میانه به دو دوره‌ی فرعی تقسیم می‌شود:

۱.۲. دوره‌ی میانه‌ی کیلیکیه (سده‌های دوازده تا چهارده میلادی) که در آن، ادبیات در هر دو زبان گرابار و میانه تحول خاصی یافته است.

۲.۲. دوره‌ی گرایش به آشخارهابار (سده‌ی پانزدهم تا هفدهم میلادی) که در آن، زبان گرابار به مرور به زبان مرده‌یی تبدیل شده، زبان میانه تحول یافته و به دوره‌ی جدید نزدیک‌تر شده است. در این دوره، واژه‌های فراوانی از زبان فارسی و ترکی به زبان ارمنی وارد و زبان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده است.

۳. دوره‌ی جدید (سده‌ی هفدهم تا دوران معاصر)

زبان این دوره به آشخارهابار معروف است و زبان ادبی آن، زبان ادبی جدید یا آشخارهابار ادبی نامیده می‌شود. در این دوره، گرابار منحصر به کتاب‌های دینی و مراسم

مذهبی است. مسرپ تاقیادیان^۱ یکی از نویسندگان این دوره و یکی از آثار وی تاریخ ایران است.

دوره‌ی جدید خود به سه دوره‌ی فرعی تقسیم می‌شود:

۱.۳. دوره‌ی ابتدایی (از اوایل سده‌ی هفده تا نیمه‌ی سده‌ی نوزدهم) که شامل زبان ادبی، زبان شهری (ارمنی گفتاری رایج بین همه) و گونه‌های آن است. در این دوره، هماهنگی و یگانگی در زبان ادبی دیده می‌شود و نقش ادبی زبان گرابار کاملاً از بین رفته است.

دو گونه‌ی که در زبان این دوره به وجود آمد، یعنی زبان ارمنی شرقی و زبان ارمنی غربی، ناشی از شرایط خاص تاریخی، جغرافیایی و سیاسی منطقه بود. اطلاق واژه‌ی شرقی و غربی به زبان ارمنی درست به نظر نمی‌آید زیرا ممکن است این شبهه به وجود آید که ارامنه دارای دو زبان متفاوت‌اند. در حالی که این زبان‌ها گونه‌های زبان آشخارهابار به‌شمار می‌روند و بهتر این است که آنها را گونه‌های شرقی و غربی ارمنی ادبی جدید بگوییم.

۲.۳. دوره‌ی دو شاخه بودن زبان ارمنی جدید، که این دوره را دوره‌ی تسلط زبان ارمنی جدید بر گرابار می‌توان نامید.

ویژگی‌های زبانی این دوره را می‌توان در شش مشخصه خلاصه کرد:

الف - زبان ارمنی شرقی خیلی زودتر از ارمنی غربی از گرابار دور شد.

ب - زبان ارمنی ادبی جدید حوزه‌ی کاربرد خود را به سرعت وسعت بخشید و در میان تمام اقشار نفوذ کرد.

ج - تأثیر زبان ادبی بر گونه‌ی ارمنی بیش‌تر شد و گونه‌های جدیدی به وجود آمد.

د - زبان ادبی یکدست شد و در مسیر تحول قرار گرفت.

ه - نقش گفتاری زبان بیش‌تر شد.

و - از ویژگی‌های مهم این دوره، کاهش قرض‌گیری زبانی و محدود شدن تعداد وام‌واژه‌های زبان‌های ترکی و فارسی، و معادل‌گزینی ارمنی برای این‌گونه واژه‌ها است.

۳.۳. دوره‌ی تحول ارمنی به ارمنی معاصر (از ۱۹۲۰م تاکنون)، در این دوره، گونه‌ی زبانی ارمنی ادبی شرقی، به عنوان یک زبان ادبی و ملی که ابزار ارتباط زبانی مردم ارمنستان شوروی بود، گسترش بسیار یافت و به پایه‌ی زبان رسمی کشور رسید. در دوره‌ی جدید، به علت اینکه ارمنستان جزو کشورهای اتحاد جماهیر شوروی بود، زبان ارمنی به شدت تحت تأثیر زبان روسی قرار گرفت. نفوذ واژه‌های روسی در ارمنی به همراه واژه‌هایی از زبان‌های دیگر که وام‌واژه‌های بیگانه در زبان روسی بودند، به غنی شدن زبان ارمنی جدید و افزوده شدن این گنجینه به مجموعه واژگان زبان ارمنی باستان انجامید، و زبان ارمنی کنونی را شکل بخشید.

مسئله‌ی مهم دیگر در این دوره که باید به آن اشاره شود، تغییر رسم‌الخط ارمنی است. الفبای ارمنی را که در حدود ۱۶۰۰ سال از ابداع آن می‌گذرد و دارای ۳۸ حرف است (دو حرف آخر آن، یعنی F و O)، بعداً اضافه شده است و پیش از آن، O را به شکل av می‌نوشتند)، مسرپ ماشوتس^۱ در اوایل سده‌ی پنجم ابداع کرد و از نظر مصوت‌ها شباهت زیادی به زبان یونانی دارد. خط ارمنی از چپ به راست نوشته می‌شود. بعد از ابداع حروف الفبای ارمنی، ترجمه از متون یونانی و آشوری شروع شد و اولین ترجمه‌ها نیز ترجمه‌هایی از انجیل بود. یکی از ترجمه‌های انجیل که به یاری سی تن از مترجمان و زبان‌دانان آن زمان صورت پذیرفت، به دلیل کامل و رسا بودن در سطح عالی قرار گرفت و ملکه‌ی ترجمه‌ها نامیده شد.

همزمان با ترجمه‌ی انجیل، ترجمه‌های فراوانی از زبان یونانی و سریانی به زبان ارمنی انجام گرفت که متن اصلی تعداد از آنها امروزه در دسترس نیست و از بین رفته است، در حالی که ترجمه‌ی ارمنی آنها موجود است و منبع ارزشمندی برای پژوهشگران به حساب می‌آید. با اینکه خط ارمنی در مراحل اولیه کاملاً آوانگار بود، لیکن به مرور زمان و با تحول زبان ارمنی، تا حدودی حالت آوانگار خود را از دست داد و دیگر نوشته‌ها با تلفظ چندان منطبق نیست.

این امر سبب گردید که در ۱۹۲۰، زبان‌شناسان ارمنی به پیروی از شعار «همه چیز

باید نو شود» به منظور آسان‌سازی املاهای ارمنی، به فکر تغییر املاهای این زبان و انطباق خط با تلفظ بیفتند.

آوانگار بودن الفبای ارمنی دوره‌ی باستان از یک نظر نیز بسیار حایز اهمیت است و آن محفوظ نگه داشتن تلفظ درست واژه‌های فارسی باستان، پهلوی و پارسی است که با واژه‌های ارمنی هم ریشه‌اند. این امر کمک بزرگی است برای زبان‌شناسان ایرانی که در تحقیقات خود به دنبال یافتن تلفظ درست واژه‌های فارسی باستان یا پهلوی و پارسی هستند که به فارسی کنونی نرسیده یا صورت آنها تغییر یافته است.

برای تغییر رسم‌الخط ارمنی، ابتدا آزمایش‌هایی کاملاً عجولانه و بدون برنامه‌ریزی صورت گرفت که این امر کار را دشوارتر ساخت و مشکلات فراوانی به بار آورد. این امر سبب شد که در سال‌های بعد، زبان‌شناسان ارمنی مطالعه‌ی بیش‌تری در این خصوص انجام دهند و میانه‌روتر شوند با این همه، مسئله‌ی رسم‌الخط ارمنی هنوز هم به کلی حل نشده است. ارمنیان مقیم کشورهای دیگر املاهای جدید را نپذیرفتند و اکنون زبان ادبی ارمنی با دورسم‌الخط و املاهای متفاوت (قدیم و جدید) نوشته می‌شود. در حال حاضر، بررسی این امر در ارمنستان ادامه دارد و کوشش براین است که طریق میانه‌یی برای حل مسئله‌ی دوگانگی املا پیدا شود.

در اینجا باید متذکر شد که زبان ارمنی معمول در ایران (زبان ادبی) شبیه به زبان ارمنی ارمنستان است، با این تفاوت که در ارمنستان رسم‌الخط جدید، و در ایران رسم‌الخط قدیم به کار می‌رود.

کتابنامه

- Aghaian. E. *Ardi Hayereni Balsadrakan Bararan*. Erevan.
- Acharian. H. 1940. *Hayots Lezvi Patmutiun*. Erevan.
- Ajello, Roberto. — Armenian, In: A.G., Ramat & P., Ramat (eds), *Indo-European Languages*. London & New York: Routledge. pp. 197-227
- Haykakan Sonetakan Hanragitaran*. 1974. Erevan.
- Fox, Robert, A. 1993. «Heinrich Hubschmann & the Armenian Language». trans, by

Gohar Muradian, Iran- Name, vol.6. no.4. pp.9-10.

The New Encyclopedia Britannica. 1994. Chicago.

The Cambridge Encyclopedia of Language (ed. 2). Cambridge.

The Encyclopedia of Language & Linguistics. 1994. Ed-in-chief Asher, R.E. Pergamon Press.

Trask, R.L. 1996. *Historical Linguistics*. New York.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی